

بررسی تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن با معیارهای جدید

فریبا رهبری کهبوق

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز Email: matrix6492@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش تکرار تجربه است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد. یکی از بزرگترین موضوعاتی که آموزش و پرورش ما می تواند به آن پردازد ایجاد سیستم آموزش فعال در کلاس های درس است تا دانش آموز فکر کند، کار کند و معلم افکار دانش آموزان را هدایت کند. به عبارتی لازم است آموزش و پرورش از حالت حافظه محوری خارج شود. همچنین لازم است حداقل آموزش ها و مهارت هایی که دانش آموزان برای ورود به عرصه کار و زندگی نیاز دارند به آنها داده شود. این آموزش هم فقط سواد خواندن و نوشتن نیست. هدف این مقاله بررسی تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن با معیار های جدید است. ما در این مقاله از اسناد بالادستی کمک گرفته ایم. روش تحقیق با توجه به منابع کتابخانه ای می باشد. نتایج نشان داد سیستم آموزش و پرورش در ایران با توجه به رشد روز افزون سیستم های آموزشی و پژوهشی در جهان متأسفانه نتوانسته به آن حد قابل قبول برسد. این مشکل هم به تقلید از سیستم های آموزش و پرورش کشورهایی بر می گردد که در طی سال ها فقط و فقط از آنها کپی برداری شده است، آن هم بدون توجه به نیاز دانش آموز ایرانی در مقایسه با دانش آموزان دیگر کشورها.

کلیدواژه ها: خواندن و نوشتن، سیستم آموزشی، دانش آموزان

مقدمه

نحوه تحول آموزش و پرورش در همه کشورهای جهان چالشی بزرگ برای دولت‌ها است. حتی پیشرفته‌ترین نظام‌های آموزش و پرورش جهان مدام تئوری‌های جدیدی ارائه می‌دهند و می‌کوشند با ایجاد تغییرات لازم در نظام آموزش و پرورش خود، برای رویارویی با مقتضیات عصر جدید آماده شوند. یکی از پیشروترین کشورها در این زمینه انگلیس است. انگلیسی‌ها به صرف هزینه‌های زیاد برای تغییرات دائم در نظام آموزشی‌شان مشهورند. با این همه آنها همیشه از نظام آموزشی خود ناراضی‌اند و در نتیجه این تغییرات را به طور دائم اعمال می‌کنند. به عنوان مثال آخرین نظریه آنها این است که باید از سن دو سالگی آموزش جدی را به کودکان آغاز کرد. نظام آموزش و پرورش ما هم از این قاعده مستثنی نیست. تاکنون بارها تغییراتی در شیوه کار آموزش و پرورش به وجود آمده و حالا که با کم شدن تدریجی تعداد دانش‌آموزان، هم از هزینه‌های آموزش و پرورش کاسته می‌شود و هم کلاس‌ها کم جمعیت‌تر می‌شود، بهتر می‌توان به تحقیقات و پیاده کردن تجربیات موفق سایر کشورها در نظام آموزش و پرورش پرداخت. یکی از بزرگترین موضوعاتی که آموزش و پرورش ما می‌تواند به آن بپردازد ایجاد سیستم آموزش فعال در کلاس‌های درس است تا دانش‌آموز فکر کند، کار کند و معلم افکار دانش‌آموزان را هدایت کند. به عبارتی لازم است آموزش و پرورش از حالت حافظه محوری خارج شود. همچنین لازم است حداقل آموزش‌ها و مهارت‌هایی که دانش‌آموزان برای ورود به عرصه کار و زندگی نیاز دارند به آنها داده شود. این آموزش هم فقط سواد خواندن و نوشتن نیست. چراکه مفهوم سواد در جهان امروز تغییر کرده است. آموزش باید جزو ذات دانش‌آموز شود تا او بتواند تحلیل کند و مسئله حل کند و گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و نیز توانایی کار با رایانه را برای کسب و تحلیل اطلاعات داشته باشد.

تعریف کلی آموزش و پرورش

«پرورش» به اینجا تغییرمسیر دارد. برای پرورش گیاه، کشاورزی را مشاهده کنید. برای پرورش کودک، فرزندآوری و پرورش فرزند را مشاهده کنید. آموزش و پرورش (به انگلیسی: Education) دارای مفهوم و کاربرد گسترده و پیچیده و در نتیجه مبهمی است. در تعریف این مفهوم، نه تنها میان مردم عادی، بلکه میان صاحب‌نظران تعلیم و تربیت هم اختلاف نظر وجود دارد. همچنین مفاهیمی مانند تعلیم و تربیت، نظام آموزشی، تحصیل، سوادآموزی، بار آوردن و... نیز بخشی از «آموزش و پرورش» محسوب می‌شوند یا با آن هم‌پوشی دارند. درباره مفهوم «آموزش و پرورش» باید در نظر داشت که «آموزش و پرورش» منحصر به افراد، زمان، مکان، یا عمل خاصی نیست. یعنی به‌طور مشخص «آموزش و پرورش» منحصر به مدرسه، کودکان، یا آموزش دروس خاصی نیست، بلکه «آموزش و پرورش» برای همه و در هر زمانی (ز گهواره تا گور) و هر مکانی ممکن است. (ویکی پدیا) محمدباقر هوشیار: آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب روان (آموزگار و فراگیر) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه‌ای است.

جان دیویی: آموزش و پرورش تکرار تجربه‌است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.

ژان ژاک روسو: آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعداد‌های فراگیر (محصل) و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.

دانشنامه بریتانیکا: از آنجایی که کودکان، بی‌سواد، نادان و غیرمطلع از فرهنگ جامعه‌شان به دنیا می‌آیند، برای درک فرهنگشان، به یادگیری مهارت‌ها، یافتن نقش‌شان در اجتماع و رسیدن به اهداف‌شان، به آموزش نیاز دارند.

امیرحسین آریان‌پور: آموزش و پرورش عبارت است از «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی تجارب انسانی» (فرهنگنامه کودکان و نوجوانان)

تاریخ آموزش و پرورش

فرایند آموزش و پرورش از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده و به عقیده برخی تعلیم و تربیت (یا گونه‌ای از آن) از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده‌است. هیچ جامعه انسانی‌ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند در جوامع بدوی، آموزش رسمی به شکل امروزی آن وجود نداشت. در واقع در تمامی فعالیت‌های روزمره بالغین نقش معلمین را بازی می‌کردند و همه جا کلاس درس بود. انباشتگی دانش در طول زمان باعث شد که یک نفر بالغ نتواند بر تمامی آن مسلط شود. راه حلی که جامعه برای این مشکل پیدا کرد آموزش به نوع رسمی بود: مدارس تشکیل شد و متخصصینی در آن‌ها به گونه‌ای مؤثر به انتقال فرهنگ و دانش موجود کمک می‌کردند. با رشد فزاینده جامعه و زیاد شدن پیچیدگی‌های آن، آموزش رسمی به عهده مؤسسات خاصی واگذار شد. به علاوه ماهیت آموزش نیز کم‌کم تغییر کرد: آموزش کمتر و کمتر به زندگی روزمره افراد ارتباط پیدا می‌کرد، انتزاعی‌تر شده و با عملگرایی فاصله می‌گرفت. دانش به صورت خیلی فشرده درآمده و این امر به دانش‌آموزان این قابلیت را می‌داد که از فرهنگی که در آن به دنیا آمده‌اند فراتر رفته و چیزهایی را یاد بگیرند که هرگز نمی‌توانستند توسط تجربه مستقیم یا تقلید از افراد بالغ بیاموزند. فرایند آموزش امروزه یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت جامعه‌ها شده‌است و اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌است و این خود باعث این شده که کتاب‌ها و تحقیقات زیادی در زمینه اهداف، محتوا و نحوه بهینه تدریس انجام شود. در دوران مدرن، شاهد شکوفایی فلسفه آموزش و نظریات تعلیمی هستیم. و هر معلم با توجه به شرایط دانش‌آموزان کلاسش از شیوه‌های مختلف آموزشی استفاده می‌کند.

نظریه‌های آموزش و پرورش

نظریه‌های آموزش وجود چهار چیز را در فرایند آموزش ضروری فرض می‌کنند: ۱- آموزگار ۲- دانش آموز ۳- موضوع درسی ۴- گروه اجتماعی که آموزگار و دانش آموز به آن تعلق داشته و از طریق آن با هم مرتبط می‌شوند. نظریه‌های آموزشی مختلف را می‌توان از طریق پاسخی که به سؤالات زیر می‌دهند از همدیگر تمیز داد: هدف آموزشی یک مدرسه چیست و اینکه از نظر روانی چگونه دانش‌آموزانش را به انجام کارهایی که هدف را تحقق می‌بخشد راهنمایی می‌کند؟ موضوع درسی چیست، با چه روش‌هایی تعلیم می‌شود، مطالب با چه میزان راحت آموخته می‌شوند و به چه راحتی بعداً فراموش می‌شوند؟ امتحان‌ها، روش‌های درس خواندن و معیارهای مقایسه دانش‌آموزان با همدیگر چیست؟ مدارس مختلف بحران‌های مختلف دارند. برخوردهای درونی مدرسه مورد نظر چیست؟ ترس‌هایی که آموزگاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد چیست و واکنش آموزگاران به این ترس‌ها چیست؟ دانش‌آموزان در مدارس مختلف با ترس‌های مختلفی روبرو می‌شوند. تحت چه ترس‌هایی دانش‌آموزان به تلاش برای یادگیری مشغول هستند و پاسخ آن‌ها به این ترس‌ها چیست؟ با توجه به اینکه تقصیر شکست‌ها را می‌توان بر گردن نظریه خاص آموزشی استفاده شده نهاد، راه حل‌ها نیازمند ایجاد تغییراتی در نظریه آموزشی می‌باشد. انتخاب یک نظریه آموزشی خاص نیازمند آگاهی کافی نسبت به شرایط خاص یک مدرسه بوده و حکم کلی نمی‌توان داد (شریعتمداری، ۱۳۶۴)

آشنایی با نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز تا الان

۱) آموزش در ایران باستان

در فلات ایران، دست کم از پانزده هزار سال پیش، انسان زندگی می‌کرده‌است. درباره چگونگی آموزش و پرورش مردمانی که پیش از آریایی‌ها در این سرزمین زندگی می‌کردند آگاهی چندانی در دست نیست. نزدیک به چهار هزار سال پیش، آریایی‌ها و از آن جمله مادها، پارسی‌ها و پارتی‌ها به سرزمین ایران مهاجرت کردند. مادها در غرب و پارسی‌ها در جنوب و پارتی‌ها در شرق فلات ایران ماندگار شدند و حکومت‌هایی تشکیل دادند. مادها در حدود هفتصد سال پیش از میلاد در سرزمین‌های غرب ایران چیره شدند و دولت ماد را بنیان گذاشتند. در دوره مادها، کودکان و نوجوانان راه و رسم زندگانی و کار و جنگاوری را در خانه و ایل می‌آموختند. آموزش رسمی مخصوص روحانیان بود. روحانیان، گذشته از خواندن و نوشتن، اصول و مراسم دینی، اخترشناسی و شیوه‌های پیشگویی سرنوشت دیگران را در مراکز دینی فرا می‌گرفتند. مردم دیگر از خواندن و نوشتن بی‌بهره بودند. مادها خطی شبیه خط میخی داشتند. در دوران هخامنشی، آموزش رسمی ویژه روحانیان زرتشتی (موبدان)، شاهزادگان و دولت‌مردان بود. اما چون در آیین زرتشت آموزش و پرورش به مانند زندگی مهم شمرده شده بود، مردم ایران به پیروی از

گفتار حکیمانه زرتشت، یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، اخلاق و مهارت‌های سودمند را به فرزندان خود آموزش می‌دادند. در آن زمان آتشکده‌ها جایگاه رسمی آموزش بودند و موبدان علاوه بر درس‌ها مذهبی، پزشکی، ریاضی و اخترشناسی نیز درس می‌دادند.

۲) نخستین دانشگاه

در دوره ساسانی فرهنگ و تمدن ایرانی به شرق و غرب گسترش یافت. اما هنوز هم آموزش به گروهی خاص محدود می‌شد. در این دوران مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی دوران باستان، دانشگاه جندی‌شاپور، در شهر گندی‌شاپور به وجود آمد. این شهر را شاپور ساسانی بنیان نهاد و تا حدود قرن چهارم پس از اسلام آباد بود. در دانشگاه گندی‌شاپور دانشمندان ایرانی در کنار دانشمندان هندی، یونانی و رومی به فعالیت علمی و بحث و گفتگو مشغول بودند. وقتی مدرسه آتن در سال ۵۲۹ میلادی بسته شد، بسیاری از دانشمندان یونانی به گندی‌شاپور مهاجرت کردند. در زمان خسرو انوشیروان بیمارستانی در این شهر ساخته شد و آموزش طب ایرانی، یونانی و هندی رونق گرفت. سال ۴۵۹ هجری قمری در تاریخ آموزش و پرورش اسلامی، فصل برجسته‌ای به‌شمار می‌آید. در این سال نخستین مدرسه از رشته مدرسه‌هایی که خواجه نظام الملک، وزیر بزرگ سلجوقیان، ساخته بود در بغداد گشایش یافت. این مدرسه‌ها در جهان اسلام پراکنده شدند؛ تا آنجا که شهرها و روستاهای کوچک را همگام با مدرسه‌های بزرگ در مراکز استان‌ها، دربرگرفت. پیش از برپایی این مدارس حلقه‌های آموزش در یک جا جمع نمی‌شدند، بلکه در جاهای گوناگون مانند مسجد، بیوت علما و ... تشکیل می‌شدند. همین که مدارس پراکنده شدند و فرصت‌ها و امکانات گسترده‌تری برای دانشجویان به سوی این مدرسه‌ها گسیل شدند. از این رو کمتر به دیگر جاه‌ها، که پیشتر پررونق بود ولی همچنان سرشت خود را نگه داشتند و با کمی و کاستی گرایش دانشجویان به گونه‌ای تقلیدی همچنان به کار می‌پرداختند، روی می‌آوردند. در واقع روزگار پیش از ۴۵۹ ه. ق؛ و پس از آن، عموماً با جایگاه‌های گوناگون آموزش و تدریس، همپا و همراه است.

جایگاه‌های آموزش پیش از بنیاد مدارس، بدین قرار بودند:

- مکتب برای آموختن، خواندن و نوشتن

- مکتب برای آموزش قرآن و مسائل ابتدایی

- آموزش ابتدایی در کاخ‌ها

- کتاب فروشی‌ها

- خانه‌های دانشمندان

- تالارهای ادبی

- بیابان (بادیه)

- مسجد

همه این‌ها مردم را به فراگیری خواندن و نوشتن واداشت. این گرایش به هنگام شکوفایی اسلام آغاز شد و گذشت زمان انگیزه‌ای برای بهتر شدن این هنر و حتی نوآوری در آن بود. گرچه در آغاز اسلام تعداد مسلمانانی که خواندن و نوشتن می‌دانستند کم بود، ولی همه یا بیشتر آنان را پیامبر اسلام برای نوشتن نزد خود به کار می‌گرفت. از همین‌جا بود که این اندیشه پیدا شد تا (ذمیان، نامسلمانان اهل کتاب) به کسانی که می‌خواستند خواندن و نوشتن یاد بگیرند، آن را بیاموزند. در پیکار بدر بسیاری از مردم مکه به اسارت گرفته شدند، پیامبر اسلام کسانی را که می‌توانستند خواندن و نوشتن بیاموزند، در برابر آموختن آزاد می‌کرد. این خدمت فدیه آزادی نامسلمانان بود و بر این پایه یاد دادن از سوی آنان به چهره یک عرف رایج درآمد. (فرهنگنامه کودکان و نوجوانان)

۳) آموزش در دوران قاجار

جنگ‌های ایران و روس رخ داد که با شکست ایرانیان و از دست رفتن بخش‌های زیادی از ایران همراه بود. البته آن شکست دردناک باعث شد که دولت‌مردان دلسوز و فرهیختگان جامعه آن روز به علت شکست ایرانیان آگاه شوند که همانا بی‌خبری از

دانش و فن آن روزگار بود. از این رو، در سال ۱۲۳۱ هجری قمری، ۵ نفر دانشجو به انگلیس فرستاده شد؛ نخستین چاپخانه سربی در ۱۲۲۷ هجری قمری در تبریز به کار افتاد؛ نخستین روزنامه را میرزا صالح، از دانشجویان فرستاده شده به انگلیس، به نام کاغذ اخبار در ۱۲۵۳ هجری قمری منتشر کرد؛ و نخستین مدرسه به شیوه امروزی با همت میرزا حسن خان رشدیه در ۱۲۵۴ هجری قمری در ارومیه و در سال بعد در تبریز کار خود را آغاز کرد. در اواخر قاجاریه و دوران مشروطه و پس از آن، برخی از فعالان حقوق زنان در آن روزگار بر آن شدند که مدرسه‌های دخترانه بسازند. البته این امر با مخالفت سنت‌گرایان مواجه می‌شد اما تعدادی مدرسه دخترانه ساخته شد.

۴) بنیان‌گذاری دارالفنون

دارالفنون مرکز آموزشی دانش و فن نوین بود که در سال ۱۲۳۱ هجری شمسی با تلاش میرزا تقی خان امیر کبیر در تهران بنیان‌گذاری شد. نخستین معلمان این مدرسه، اروپایی و بیش‌تر اتریشی بودند. نخست صد نفر فراگیر از میان فرزندان اشراف و بزرگان دولتی برای تحصیل در آن انتخاب شدند که در رشته‌های نظامی، پزشکی، داروسازی، معدن و مهندسی به تحصیل مشغول شدند. دارالفنون آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی و کارخانه شیشه و بلور و شم‌سازی و چاپ‌خانه داشت و فراگیران علاوه بر مطالعه نظری، به فعالیت‌های عملی نیز می‌پرداختند. برای مثال، مسیو کرشیش اتریشی، که معلم توپخانه و ریاضی بود، به کمک دانش‌جویان خود دستگاه فرستنده تلگراف ساخت که آغازی برای گسترش ارتباط از راه دور در کشور بود.

۵) آموزش و پرورش نوین

بر اساس قانون اساسی ایران، آموزش و پرورش برای همه کودکان و نوجوانان ایرانی تا دوره متوسطه رایگان است و دولت وظیفه دارد امکان تحصیل را برای همگان از طریق وزارت آموزش و پرورش فراهم سازد.

نظام آموزشی ایران دارای دوره ابتدایی، دوره راهنمایی، دوره متوسطه و دوره پیش‌دانشگاهی بود. در سال‌های پایانی دهه هشتاد نظام آموزشی به ۳-۳-۳-۳ تغییر کرد. این نظام به‌طور کلی به دو دوره ۶ ساله ابتدایی و متوسطه تغییر کرد. اولین کسانی که با این نظام آموزش دیده‌اند؛ متولدین نیمه دوم ۷۹ و نیمه اول ۸۰ هستند که کلاس ششم ابتدایی داشته‌اند. آن‌ها در پایان دوره اول متوسطه انتخاب رشته کردند و امسال در پایه دوازدهم به تحصیل مشغولند. علاقه‌مندان به کارهای عملی و فنی مهارت‌های لازم را در هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های کار و دانش می‌گذرانند. دانش‌آموختگان دوره پیش‌دانشگاهی در صورت موفقیت در آزمون‌های سراسری (کنکور) به دانشگاه وارد می‌شدند که با تغییر نظام این پایه حذف و به جای آن پایه ششم ابتدایی جایگزین شده‌است.

۶) وضعیت پرورش تفکر در مدارس ایران

مدرسه‌ها، امروزه در ایران با انتقال فراوان مفاهیم تکراری بی‌معنا، فرصت اندیشیدن را از شاگردان گرفته‌اند. در حقیقت نظام آموزشی ایران فقط به کتاب‌های درسی و حفظ کردن آن‌ها توسط دانش‌آموزان اهمیت می‌دهد. این در حالی است که تنها انتقال اطلاعات برای اندیشیدن کافی نیست. اندیشیدن نیز هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای شناخت حقیقی است. علت اصلی شکست و ناکامی بیشتر معلمان در برابر نوآوری‌های آموزشی به‌ویژه پرورش تفکر، باورهای غلط و از پیش‌ساخته آنان است. مثلاً معلمان به جای اینکه روش آموختن و اندیشیدن را به شاگردان بیاموزند، آنان را در مقابل دانسته‌ها و واقعیت‌های علمی قرار می‌دهند. به عقیده جروم برونر مهم نیست که شاگردان چه می‌آموزند بلکه مهم این است که چگونه می‌آموزند.

۷) تربیت معلم

تربیت معلم به نوعی مرکز آموزش عالی گفته می‌شود که هدف آن تربیت و پرورش آموزگار برای سطوح مختلف آموزشی از دبستان تا دبیرستان است. در ایران دانشگاه فرهنگیان تربیت معلمان و آموزش و بهسازی نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش را بر عهده دارد (فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴)

آشنایی با آموزش و پرورش ژاپن؛ از تقویت روحیه کار تیمی تا احترام به همه مشاغل

سیستم آموزش ژاپن باور دارد، تمیز کردن مدرسه و هر کار دیگری که دانش‌آموزان گروهی انجام می‌دهند به آنها در مشارکت کار تیمی کمک می‌کند. به نظر ژاپنی‌ها همه کودکان توانایی یادگیری مطالب را دارند و تلاش، پشتکار و انضباط شخصی، موفقیت تحصیلی را تعیین می‌کند نه توانایی علمی، در واقع به عقیده آنان مطالعات و عادت‌های رفتاری آموزشی هستند. سیستم آموزشی ژاپن شامل دوره ۶ ساله ابتدایی، سه ساله متوسطه اول، سه ساله متوسطه دوم و چهار ساله دانشگاه است. آموزش اجباری ۹ ساله بوده و شامل ۶ سال ابتدایی و سه سال متوسطه اول است. سیستم مدارس مقطع ابتدایی ۶ ساله و سال تحصیلی سه دوره سه ماهه است. اولین دوره از اول آوریل تا ماه ژوئن بوده و سه ماهه دوم از ماه سپتامبر تا ماه دسامبر و سه ماهه سوم از ماه ژانویه تا ماه مارس است. تعطیلات تابستانی حدود ۴۰ روز بین اولین و دومین سه ماهه تحصیلی و تعطیلات زمستانی ۱۴ روز بین دومین و سومین سه ماهه تحصیلی و تعطیلات بهار نیز ۱۰ روز بین سه ماهه سوم و اول است. روزهای شنبه و یکشنبه نیز مدارس تعطیل هستند. سال تحصیلی در ژاپن از اواسط ماه آوریل شروع شده و تا آخر مارس طول می‌کشد و به سه ترم تقسیم می‌شود که اولی از آوریل تا جولای، دومی از سپتامبر تا دسامبر و سومی از ژانویه تا مارس است؛ آن‌ها ۶ هفته تعطیلات تابستانی، دو هفته تعطیلات زمستانی و دو هفته تعطیلات بهاری دارند.

رفتار قبل از دانش

در مدارس ژاپن از دانش‌آموزان هیچ امتحانی تا زمان رسیدن به درجه ۴ یعنی سن ۱۰ سالگی گرفته نمی‌شود؛ فقط آزمون‌های بسیار ساده و کوچک برای آنها تعریف می‌شود. اعتقاد سیستم آموزشی کشور ژاپن بر این است که در سه سال اول تحصیلی، هدف از آموزش، قضاوت دانش کودکان نیست بلکه آموزش رفتارهای اجتماعی صحیح در برخورد با دیگران است تا به توسعه شخصیت آنها کمک کند. به کودکان ژاپنی آموزش داده می‌شود که به دیگران احترام بگذارند و با طبیعت و حیوانات مهربان باشند؛ آن‌ها همچنین یاد می‌گیرند که چگونه مهربان، متواضع و سخاوتمند باشند؛ علاوه بر همه اینها، به کودکان کنترل خشم و عادلانه رفتار کردن نیز آموزش داده می‌شود.

نظافت مدرسه توسط دانش‌آموزان

در مدارس ژاپن، دانش‌آموزان خود موظف به تمیز کردن کلاس درس، آزمایشگاه و حتی سرویس بهداشتی هستند؛ در مدارس این کشور هیچ شخصی برای عمل نظافت استخدام نمی‌شود. معمولاً روال این است که دانش‌آموزان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و هر گروه وظایف تعیین شده را در طول سال تحصیلی بر عهده می‌گیرد؛ ضمن اینکه وظایف درون گروه بین کودکانی که در آن گروه حضور دارند به صورت چرخشی تغییر می‌کند تا همه یک سری کار مشابه را انجام داده باشند.

تقویت روحیه کار تیمی و احترام به همه مشاغل

سیستم آموزش ژاپن باور دارد، تمیز کردن مدرسه و هر کار دیگری که دانش‌آموزان، آن را به صورت گروهی انجام می‌دهند به آنها در مشارکت کار تیمی کمک می‌کند و علاوه بر تقویت روحیه کار تیمی به آنها آموزش می‌دهد تا به هموعان‌شان کمک کنند؛ ضمن اینکه با نظافت مدرسه یاد می‌گیرند برای زمان خود ارزش قائل شوند و به شغل همه احترام گذارند. همچنین معلمین کلاس را به چند گروه تقسیم کرده و سرگروهی برای هر گروه تعیین می‌کنند؛ تاکید بسیاری بر عملکرد هماهنگ گروه وجود دارد.

ناهار مشترک بر اساس یک استاندارد تعریف شده

در مدارس ژاپن، ناهار مدرسه در یک منوی استاندارد شده ارائه می‌شود و همه دانش‌آموزان در کنار هم و در کلاس درس ناهار می‌خورند. سیستم آموزشی ژاپن بهترین کار را برای اطمینان از اینکه دانش‌آموزان غذای سالم و متعادل می‌خورند، انجام می‌دهد؛ در مدارس تمام مقطع‌های تحصیلی، ناهار برای دانش‌آموزان طبق یک منوی استاندارد که نه تنها توسط سرآشپزهای واجد شرایط بلکه توسط متخصصان مراقبت‌های بهداشتی نیز طراحی شده است، پخته می‌شوند. همه دانش‌آموزان همراه معلم

در کلاس درس و روی میز استاندارد می‌گردد که با توجه به قد و قامت آنها طراحی شده، ناهار می‌خورند؛ هدف از این اقدام ایجاد روابط مثبت میان معلم و دانش‌آموز است.

۸ ساعت حضور مفید در فضای آموزشی

دانش‌آموزان ژاپنی ۸ ساعت در مدرسه حضور دارند، اما جدا از آن حتی در تعطیلات آخر هفته یا تعطیلات اعیاد ملی و مذهبی، مطالعه سر جای خود قرار دارد و آنها بر اساس برنامه آموزشی تدوین شده پیش می‌روند.

لباس فرم برای دانش‌آموزان

بچه‌های کوچک کلاه‌های رنگی سر می‌گذارند و علامت‌هایی به شانه‌هایشان وصل می‌کنند که سال تحصیلی آنها را نشان می‌دهد؛ در دبستان، معمولاً دانش‌آموزان یونیفرم تن نمی‌کنند اما برای دوره متوسطه و دبیرستان پوشیدن یونیفرم الزامی است؛ یونیفرم پسرها یک کت کتانی آبی با شلوار همخوان با آن و یونیفرم دخترها دامن تک رنگ یا چهارخانه تا زانو و یک بلوز سفید ساده یا بلوز سفید با یقه ملوانی است.

آموزش هنرهای سنتی

دانش‌آموزان ژاپنی به یادگیری هنرهای سنتی فرهنگ خود نظیر شادو «خطاطی ژاپنی» و هایکو «سبکی از اشعار ژاپنی» در هنر شادو علاقه نشان می‌دهند و کلاس‌هایی برای آموزش این هنرها برای آنها در نظر گرفته شده است. این هنرها که نیازمند دانش زبانی هستند، موجب می‌شوند تا دانش‌آموزان برای هنرهای فرهنگی خود ارزش و احترام زیاد قائل باشند.

برنامه‌های ویژه به منظور شادی دانش‌آموزان

مدیران مدارس ژاپن، برنامه‌های ویژه‌ای برای شاد نگه داشتن دانش‌آموزان در مدارس ژاپن در نظر می‌گیرند؛ کلاس‌های ورزشی نظیر شنا یکی از این موارد است. در ژاپن بودجه‌های هنگفتی صرف تجهیز مدارس به کتابخانه، آزمایشگاه، زمین بازی، وسایل ورزشی، استخر شنا، سالن نمایش، وسایل سمعی و بصری و حتی گلخانه می‌شود.

آموزش زبان انگلیسی به دانش‌آموزان

در مدارس ژاپن قانون بر این است که خانواده‌ها از سنین قبل مدرسه، کودکان خود را برای خواندن بدون یادگیری قاعده خاصی آماده کنند؛ بر همین اساس والدین از سن ۴ سالگی موظف بر آماده‌سازی فرزندان خود برای خواندن هستند. همچنین آموزش زبان انگلیسی با توجه به رتبه پایین دانش‌آموزان ژاپنی در یادگیری زبان انگلیسی، مهم‌ترین دغدغه مدیران مدارس این مقطع است. (مجله خبرگذاری تسنیم)

نتیجه گیری

برنامه‌های مدارس ژاپن اجرای برنامه‌های یادگیری در همه زندگی است. در حقیقت یادگیری در تمام عمر به اندازه آموزش و پرورش رسمی اهمیت دارد. شعار آنها این است: هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد. ایجاد مراکز دانشگاهی مکاتبه‌ای، مدارس شبانه و دانشگاه سیما برای این منظور است. معلمان عقیده دارند دانش‌آموزان این مقطع برای یادگیری علم به مدرسه نمی‌آیند بلکه هدف از مدرسه دیدار دوستان است. در مدارس ابتدایی به بازی، کاردستی، موسیقی و خانه داری (آشپزی، خیاطی و نظافت) توجه بسیار می‌شود. این گونه برنامه‌ها یک سوم اوقات دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد. دانش‌آموزان مدارس ژاپن از همان کلاس اول ابتدایی در برنامه‌ای با عنوان "به سوی کار" به یادگیری و انجام حرفه‌هایی مانند زراعت و صنعت می‌پردازند. درست برعکس سیستم آموزش و پرورش در ایران که از همان ابتدا به دانش‌آموز القا می‌شود که برای ادامه حیات اجتماعی باید در دانشگاه قبول شود و اینکه چه رشته‌ای و چه آینده‌ای برایش ترسیم می‌شود زیاد مهم نیست. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو گونه مدرسه (مدارس دولتی و مدارس ملی) فعالیت داشتند. مدارس پولی که به آنها لقب ملی داده شده بود و خود نیز شامل مدارس اسلامی می‌شدند که به عنوان یکی از برنامه‌های مدرسه دانش‌آموزان را با مقدمات دروس مذهبی آشنا می‌ساختند و از نظر ظاهر نیز تفاوت‌هایی با سایر مدارس داشت، غالباً با ارائه فوق برنامه‌های خاص سعی در جلب نظر دانش‌آموزان داشته و عمدتاً برای آن دسته از خانواده‌هایی دایر شده بود که از توانایی پرداخت

هزینه‌های بیشتر جهت تحصیل فرزندان خود برخوردار بودند. تعداد مدارس ملی بسیار اندک بود و به لحاظ سطح آموزش با مدارس عادی یا دولتی تفاوتی نداشت. پس از پیروزی انقلاب بحث یکسان سازی مدارس طرح گردید و جهت جلوگیری از نظام طبقاتی در آموزش و پرورش، کلیه مدارس غیر دولتی بر مبنای تصمیم شورای انقلاب منحل و مسولیت برنامه ریزی آموزشی کشور و نظارت بر اجرای این گونه برنامه‌ها مستقلاً به دولت واگذار گردید. این درحالی بود که چند سال پس از پیروزی انقلاب بحث مدارس خصوصی به دلایل زیر مطرح گردید:

- ۱) رشد جمعیت و میزان نیاز متناسب با امکانات کثیر آموزشی برای افراد لازم‌التعلیم
 - ۲) بروز محدودیت‌های دولتی در تامین هزینه‌های آموزشی و پرورشی با شروع جنگ ایران و عراق
 - ۳) مواجهه با کسر بودجه آموزشی و پرورشی در مدارس کشور
- خلاصه آنکه سیستم آموزش و پرورش در ایران با توجه به رشد روز افزون سیستم‌های آموزشی و پژوهشی در جهان متأسفانه نتوانسته به آن حد قابل قبول برسد. این مشکل هم به تقلید از سیستم‌های آموزش و پرورش کشورهایی برمی‌گردد که در طی سال‌ها فقط و فقط از آنها کپی برداری شده است، آن هم بدون توجه به نیاز دانش آموز ایرانی در مقایسه با دانش آموزان دیگر کشورها.

منابع و مآخذ

۱. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. آموزش و پرورش در ایران، تاریخچه جلد اول
۲. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴
۳. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. آموزش و پرورش در ایران، تاریخچه جلد اول
۴. ساناساریان، الیز (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، تهران: نشر اختران، ص. ۳۰
۵. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، سازمان سمت، ۱۳۷۱.
۶. مجله خبر گذاری تسنیم www.tasnimnews.com
۷. الماسی، علی محمد، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۵
۸. آقازاده، احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: سمت، ۱۳۷۹